

برنامه‌درسی؛ راهبردی کارآمد در جامعه‌پذیری دینی دانش‌آموزان (با تأکید بر کیفیت عناصر آن)

hnajafih@yahoo.com
a1367jalalzade@gmail.com

حسن نجفی / دکترای مطالعات برنامه‌درسی دانشگاه علامه طباطبائی
علی جلال‌زاده / کارشناسی ارشد مطالعات برنامه‌درسی دانشگاه شاهد
پذیرش: ۹۷/۱/۱۵ دریافت: ۹۶/۸/۲۷

چکیده

مفهوم «جامعه‌پذیری دینی» در واقع بخشی از فرایند عام جامعه‌پذیری است و به‌مثابه بخشی از فرایند رشد و کمال آدمی رخ می‌دهد؛ اما در تعریفی علمی و موجه فرایندی است که طی آن، افراد یک جامعه به‌تدریج با باورها، اعمال، وظایف، آیین‌ها، مراسم، مناسک، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهای دینی جامعه خود آشنا می‌شوند و آنها را فرامی‌گیرند و با درونی ساختن آنها به‌عنوان افراد دین‌دار ظاهر می‌شوند و موجب انتقال آنها از نسلی به نسل دیگر می‌گردند. امروزه امر جامعه‌پذیری در همه‌جوه آن بیشتر بر عهده نهاد آموزش و پرورش است؛ چون فرزندان هر جامعه‌ای از دبستان تا پایان دبیرستان، بیشترین وقت خود را در درون مدرسه و در ارتباط با آن (تکالیف منزل) می‌گذرانند. دستیابی به این هدف بزرگ در نهاد آموزش و پرورش، نیازمند نقشه‌ای است که در ادبیات علوم تربیتی به آن برنامه‌درسی می‌گویند. این طرح و نقشه، زمانی می‌تواند آن نهاد را به اهداف مطلوب خود برساند که بر مبنای، اصول و شیوه‌های ارزشی و فرهنگ حاکم بر آن کشور استوار باشد. مقاله حاضر، با رویکردی توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، به تبیین ویژگی‌ها و کیفیت عناصر برنامه‌درسی مؤثر در جامعه‌پذیری دینی دانش‌آموزان پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: جامعه، جامعه‌پذیری، جامعه‌پذیری دینی، برنامه‌درسی، کیفیت عناصر.

مقدمه

جامعه دینی، جامعه‌ای است که در آن باورها و ارزش‌های دینی حاکم است و اعضای آن در مواجهه با مقوله دین، تمام ابعاد وجودی خویش را به کار می‌بندند؛ بدین معنا که هم عواطف خویش را درگیر شوری ایمانی می‌سازند، هم مخازن و ظرفیت‌های اندیشه خود را به روی آموزه‌های دین می‌گشایند و سرانجام نیز این فرامین دینی است که رفتار آنان را تحت سیطره می‌گیرد و جهت می‌بخشد. به عبارتی، جامعه حقیقتاً دینی جامعه‌ای است که نه تنها در صورت، بلکه در سیرت نیز دینی بوده و در آن دلبستگی و شیدایی به دین و ارزش‌های دینی بر هر دلبستگی دیگر غلبه داشته باشد (حیدری، ۱۳۹۲، ص ۱۲۳).

یکی از مهم‌ترین راه‌هایی که افراد به پذیرش شاخص‌های جامعه‌پذیری دینی روی می‌آورند، در نهاد اجتماعی آموزش صورت می‌گیرد. دانشگاه و مدرسه زیرمجموعه این نهاد اجتماعی از طریق شیوه‌ها و رویکردهای عملی و نظری، افراد را برای این امر خطیر تربیت می‌کنند و استعدادها و خلاقیت‌های آنان را پرورش می‌دهند (تورکوت، ۲۱۰۵، ص ۱۶۸). مقام معظم رهبری در خصوص نقش و جایگاه سازمان‌های آموزشی در ترویج مؤلفه‌های جامعه‌پذیری دینی می‌فرماید: هم دولت اسلامی و هم علما، وظیفه‌شان این است که تربیت ایمانی کنند این ملت را؛ تربیت تقوایی کنند این ملت را؛ تربیت صبر، تربیت احسان بین مردم و بین مؤمنین؛ ما باید مردم را این‌جوری تربیت کنیم. از همه مهم‌تر، دستگاه‌های دولتی هستند که با برنامه‌ریزی می‌توانند این کار را انجام بدهند. ما یک دستگاه عظیمی داریم به نام آموزش و پرورش، یک دستگاه عظیمی داریم به نام آموزش عالی.

یک دستگاه عظیمی داریم به نام صداوسیما، غیر از دستگاه‌های اختصاصی مجموعه ما. این‌هایی که گفتیم، در همه دنیا همه دارند؛ یک دستگاه‌هایی هم هست که اختصاصی ما است، مثل ائمه جمعه و جماعات، مثل منبرها؛ این منبرها و تماس‌های با مردم خیلی مهم است. پس یک کار عبارت است از: برنامه‌ریزی‌های تربیتی و آموزشی در مدرسه، در دانشگاه، در مسجد، در مصالای نمازجمعه، در منبرهای تبلیغی؛ بخصوص، همین‌طور که عرض کردیم، در جاهایی که دایره وسیع‌تری دارد، مثل صداوسیما؛ یکی از وظایف عمده صداوسیما این است. یا آن کسانی که

سخنانشان شنونده زیادی دارد، مثل خود این حقیر، مثل رئیس‌جمهور، مثل دیگران که مردم می‌شنوند سخنان اینها را چهره‌های معروف دینی و علمی و سیاسی که می‌شنوند مردم حرف‌های اینها را، اینها بایستی اهداف مهمشان را متمرکز کنند روی همین تربیت‌های مذکور؛ برای اینکه اگر این تربیت‌ها انجام گرفت، آن وقت «وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ» به وجود می‌آید، «الَّذِينَ اتَّقَوْا» به وجود می‌آید و از این قبیل، و دنبالش «إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا» به وجود می‌آید؛ یعنی قطعاً معیت الهی حاصل خواهد شد؛ دیگر هیچ جای خوف و حزن وجود ندارد (بیانات در جمع مجلس خبرگان، ۱۳۹۶/۱۲/۲۴).

با توجه به اهمیت جامعه‌پذیری دینی و دغدغه دین‌داری نسل معاصر و هم دین‌پذیر کردن نسل‌های آینده و چگونگی عبور از دشواری‌های پیش‌روی دین‌پذیر کردن جامعه در سطح نسل‌های آینده، و علم به اینکه این جامعه و خود اوست که زمینه چنین فرایند جامعه‌پذیری تربیتی را در حوزه‌های مختلف - از جمله تربیت دینی - فراهم می‌کند، دیگر شیوه‌ها و راه‌هایی برای پرورش دینی افراد می‌توان در نظر داشت که با استفاده از توانایی‌ها و دستاوردهای برنامه درسی، از طریق شیوه‌ها و رویکردهای عملی و نظری این شیوه، برای امر خطیر تربیت استفاده کرد.

نظام جامعه‌پذیری، به انتقال و ماندگاری ارزش‌ها، هنجارها و آداب و رسوم جامعه یاری می‌رساند؛ همچنین این رفتارها و باورهای فرهنگی از زمینه‌های متفاوتی تأثیر می‌پذیرند (گرگور، ۲۰۰۸، ص ۴۳۵). همان‌گونه که قبلاً هم اشاره شد، یکی از نهادهای اساسی که پس از خانواده نقش اجتماعی کردن و جامعه‌پذیری افراد را به عهده دارد، آموزش و پرورش است (اسدنژاد، ۱۳۹۳، ص ۱۲). افراد یک جامعه از زمان کودکی و از طریق آموزش‌های رسمی و غیررسمی در نهاد آموزش و پرورش، فرایند جامعه‌پذیری را طی می‌کنند. مدارس بعد از خانواده بیشترین اثرگذاری را بر روی کودکانی که با نام دانش‌آموز شناخته می‌شوند، دارند (نجات و همکاران، ۱۳۹۵). در این ارتباط پژوهش‌هایی نیز صورت پذیرفته است. به‌گونه‌ای که فروتن (۱۳۹۲) در نتایج تحقیق خود به‌وضوح نشان می‌دهد که نظام آموزشی و منابع درسی به‌عنوان یک استراتژی جامعه‌پذیری و مکانیسم رسمی بازنمایی انتظارات اجتماعی و استانداردهای فرهنگی

دین‌داری نسل معاصر و آینده، ما را بر آن داشت تا به کمک روش توصیفی - تحلیلی به دنبال جایگاه، ضرورت و کیفیت عناصر برنامه درسی دانش‌آموزان در جامعه‌پذیری دینی، به‌عنوان هدف اصلی این مقاله باشیم و در حاشیه این هدف، به تعریف مفهومی مواردی مانند جامعه، جامعه‌پذیری، دین و جامعه‌پذیری دینی پردازیم. به عبارت دیگر، از آنجاکه برنامه درسی بیانگر هدف‌ها و آرمان‌های تربیتی و نیز منعکس‌کننده ارزش‌ها و اعتقادات و به‌طور کلی فرهنگ یک کشور است، پرسش اصلی این است که اگر بخواهیم برنامه درسی مبتنی بر جامعه‌پذیری دینی و نیز متناسب با فرهنگ دینی خود طراحی کنیم، عناصر و اجزای این برنامه درسی باید دارای چه کیفیتی باشد؟

مفهوم‌شناسی بحث

الف) جامعه

در یک نگاه کلی، می‌توان جامعه را عبارت از مجموعه انسان‌هایی دانست که در اثر جبر یک سلسله نیازها و تحت نفوذ یک سلسله عقیده‌ها، ایده‌ها و آرمان‌ها، در یکدیگر ادغام شده‌اند و در یک زندگی مشترک غوطه‌ورند (مطهری، ۱۳۹۵، ص ۳۳۳) و روابط گوناگون مشترک، متقابل و نسبتاً پایداری آنها را بهم پیوند می‌دهد (صدیق سروستانی و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۳۴۹) و هدف واحدی آنان را گرد هم آورده است (صلیبی، ۱۳۷۰، ص ۱۵۲).

ب) جامعه‌پذیری

جامعه‌پذیری معادل Socialization، از نظر لغوی به‌معنای انطباق با جامعه و آشناسازی با جامعه است (حق‌شناس و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۸۴۲). در جامعه‌شناسی، این مفهوم به فرایندی اطلاق می‌شود که به موجب آن، افراد ویژگی‌هایی را که شایسته عضویت آنها در جامعه است، کسب می‌کنند. به عبارت دیگر، جامعه‌پذیری نوعی فرایند کنش متقابل اجتماعی است که در خلال آن، فرد هنجارها، ارزش‌ها و دیگر عناصر اجتماعی، فرهنگی و سیاسی موجود در گروه یا محیط پیرامون خود را فرا می‌گیرد، درونی می‌کند و آن را با شخصیت خود یگانه می‌سازد (سلیمی و داوری، ۱۳۹۴، ص ۱۴۴). به نظر کوئن (۱۳۹۶)، جامعه‌پذیری فرایند پویا، مداوم و اجتناب‌ناپذیر یادگیری الگوهای فکری و رفتاری، شیوه‌های زندگی، خلق‌وخوی جمعی و شکل‌گیری من اجتماعی، دستیابی به خود یا آگاه شدن از

مورد استفاده قرار گرفته‌اند. همچنین کولت سابی (۲۰۰۷م) معتقد است که منابع اصلی و سنتی فرایند جامعه‌پذیری دینی عبارت‌اند از مدارس، خانواده و مؤسسات و نهادهای دینی (مانند مساجد). به‌علاوه، نتایج تحقیق هیمل فارب (۲۰۰۵م) در زمینه فرایند جامعه‌پذیری دینی در میان گروه‌های مذهبی در آمریکا نشان داد که چهار عنصر اصلی فرایند جامعه‌پذیری دینی عبارت‌اند از: خانواده، مدرسه، تجربیات دوره کودکی و تجربیات دوره بزرگسالی. همچنین مطالعات و تحقیقات قابل‌ملاحظه‌ای در زمینه نقش سیستم‌های آموزشی و منابع درسی در فرایند جامعه‌پذیری دینی و ارتباط بین دین و مدرسه صورت گرفته است. برای مثال، نتایج تحقیقات جارویس (۱۹۷۴م) در بریتانیا نشان داد که فضای دینی و معنوی حاکم بر کلاس‌های درس و مجموعه مدرسه، از اهمیت زیادی در فرایند جامعه‌پذیری دینی دانش‌آموزان برخوردار است. در تحقیق دیگری، چکین (۲۰۱۳م) درباره سطوح درک دانش‌آموزان ابتدایی از مفهوم دین نشان داد که دانش‌آموزان قادر به درک صحیح و علمی از دین نیستند و تصور غلط از مفاهیمی چون پرستش، رفتارهای اخلاقی و اجتماعی دارند. مطابق تحقیقات رگسوروس (۲۰۰۰م)، مشارکت افراد در فعالیت‌های مذهبی، انتظارات آموزشی آنان را ارتقا می‌بخشد و موفقیت‌های تحصیلی دانش‌آموزان را به‌طور معناداری افزایش می‌دهد؛ به‌گونه‌ای که این قبیل دانش‌آموزان، حتی در دروسی مانند ریاضیات نیز موفقیت بالاتر از حد استاندارد و معمولی را کسب کرده‌اند.

روند جامعه‌پذیری دینی، به دوره خاصی از زندگی انسان محدود نمی‌شود؛ بلکه امری مستمر است که در سراسر زندگی تداوم می‌یابد؛ هرچند محققان بر اهمیت دوره کودکی و سپس نوجوانی تأکید کرده‌اند؛ تا جایی که گفته‌اند تداوم جامعه‌پذیری در بزرگسالی، تا اندازه زیادی به‌جای اینکه به تغییر بنیادی ارزش‌ها و نگرش‌ها منجر گردد، تجربه‌های پیشین را تقویت می‌کند (حیدری، ۱۳۹۲، به نقل از: راش، ۱۳۸۳، ص ۱۱۴). سیستم مدارس و برنامه درسی آن، یکی از مهم‌ترین عناصر تعیین‌کننده در فرایند جامعه‌پذیری افراد تلقی می‌شود (کارتلج، ۲۰۱۳، ص ۴۷؛ میضراب، ۲۰۱۷، ص ۸۰۷).

با توجه به مطالب ذکر شده و توجه به جایگاه دین و گفتمان دینی برنامه درسی در ساختار نظام آموزش و پرورش - که ازجمله موضوعات به‌روز، مهم و دوران‌ساز جامعه اسلامی ماست - و دغدغه

خود به عنوان یک موجود دارای هویت مشخص و مستقل، گره خوردن عمیق و وثیق فرد با جامعه و نسل‌های پیشین، بازتولید جامعه از طریق افراد، و ضامن استمرار و پیوستگی خطی جامعه در توالی نسل‌های مختلف است. از نظر او، جامعه‌پذیری فرایند اخذ اعتقادات، گرایش‌ها، ارزش‌ها، هنجارها و عادات از فرهنگ، یا فرایند آموزش راه‌های زندگی کردن در جامعه، شخصیت‌یابی و بسط ظرفیت‌های وجودی در راستای انجام وظایف فردی و ایفای عضویت اجتماعی است.

در کتاب *فرهنگ توصیفی علوم رفتاری/شناختی*، در تعریف جامعه‌پذیری چنین آمده است: «فرایندی است که به وسیله آن، فرد راه‌ها، افکار، اعتقادات، ارزش‌ها، الگوها و معیارهای فرهنگ خاص جامعه خود را یاد می‌گیرد و آن را جزء شخصیت خویش می‌نماید» (شعاری‌نژاد، ۱۳۹۱، ص ۴۱۵). *شرف‌الدین* (۱۳۸۷) جامعه‌پذیری را فرایندی می‌داند که با هدف شکوفاسازی استعدادها و قابلیت‌های فطری و غریزی، در پرتو سرمایه‌ها و دستاوردهای فرهنگی و اصول پذیرفته‌شده زندگی اجتماعی، به منظور آماده‌سازی افراد برای ایفای نقش‌های محول‌شده و تأمین انتظارات اجتماعی طراحی شده است. در جمع‌بندی تعریف می‌توان چنین عنوان کرد که جامعه‌پذیری فرایندی است که از طریق آن، فرد با ارزش‌ها، هنجارها، نگرش‌ها و ایستارهای مورد پذیرش فرهنگ جامعه خود آشنا می‌شود و آنها را درونی می‌سازد. لازم به ذکر است که این امر، یک فرایند دوسویه می‌باشد؛ هم جامعه‌پذیرکننده و هم جامعه‌پذیرشونده، هر دو آگاهانه و فعالانه در این فرایند سهیم‌اند.

ج) دین

راغب اصفهانی در *مفردات* می‌گوید: «دین به معنای اطاعت و جزاست؛ و شریعت را به اعتبار آنکه باید از آن اطاعت شود، دین نامیده‌اند» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق، ص ۶۹۹). *دایرةالمعارف دین* در تعریف دین می‌نویسد: «دین عبارت است از سازمان‌یابی حیات بر محور ابعاد عمیق تجربه، که بر طبق فرهنگ محیط، از نظر صورت، کمال و روشنی فرق می‌کند» (خرم‌شاهی، ۱۳۷۳، ص ۸۵). علامه *طباطبائی* دین را با توجه به آثار و نتایجی که برای انسان در پی دارد، این‌گونه معرفی می‌کند: «دین، نحوه سلوک در زندگی دنیاست که صلاح دنیا را دربردارد؛ به گونه‌ای که با کمال اخروی و حیات

جاودانه حقیقی نزد خداوند، هماهنگ و همسو باشد. از این‌رو، دین باید به قوانین زندگانی دنیوی و وضعیت معیشت، به مقدار نیاز بپردازد... «دین جز روش زندگی و راهی که انسان باید بیاماید تا در زندگی خوشبخت و سعادتمند گردد، چیز دیگری نیست». از منظر ایشان، ادیان الهی معیار و میزان شناخت عقاید و اعمال صحیح از باطل، و یگانه راه تضمین‌کننده سعادت و خوشبختی فردی و اجتماعی انسان است: «دین همان چیزی که به وسیله آن، عقاید و اعمال افراد انسان سنجیده می‌شود و همان چیزی است که خوشبختی فردی و اجتماعی انسان بدان وابسته است» (طباطبائی، ۱۳۸۵، ج ۱۹، ص ۱۷۱). *آیت‌الله جوادی آملی* بر آن است که دین «مجموعه عقاید، اخلاق و قوانین و مقرراتی است که برای اداره امور جامعه انسانی و پرورش انسان‌ها باشد» (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۹۳). *آیت‌الله مصباح دین* را به معنای اعتقاد به آفریننده‌ای برای جهان و انسان، و دستورات علمی متناسب با این عقاید معنا می‌کند (مصباح، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۸). بنا به تعریف ایشان، هر دینی از دو بخش تشکیل می‌گردد: ۱. عقیده یا عقایدی که حکم پایه و اساس و ریشه آن را دارد؛ مانند اعتقاد به وجود خداوند یکتا و دادگر و توانای مطلق، اعتقاد به معاد و... ۲. برنامه حرکت به سوی هدف، که احکام و تکالیف نامیده می‌شود و اخلاقیات و احکام فقهی را تشکیل می‌دهد. در این مبحث، مقصود ما از دین، آیین وحیانی است؛ بدین معنا که از جانب خداوند بر پیامبران وحی شده است. از آنجاکه به اعتقاد ما دین اسلام جامع تمام آیین‌های وحیانی است و به عبارت دیگر، کامل‌ترین مرتبه از دین الهی به‌شمار می‌رود، مراد ما از دین، اسلام است و آن عبارت است از مجموعه معارف، احکام و دستورالعمل‌هایی که منشأ الهی دارد و برای هدایت انسان و وصول به سعادت دنیایی و آخرتی به دست بشر می‌رسد.

د) جامعه‌پذیری دینی

بنیاد نظریه جامعه‌پذیری، به‌مثابه یک فرایند عام و همچنین جامعه‌پذیری دینی بر این واقعیت استوار است که انسان به‌صورت کانونی از استعدادها و توانایی‌های وجودی بالقوه به دنیای اجتماعی پا می‌گذارد و از راه تعامل مستمر با محیط اجتماعی و درون‌ریزی مجموعه‌ای از باورها، نگرش‌ها، ارزش‌ها، آرمان‌ها، هدف‌ها، رسوم، قواعد و هنجارها، از طریق

به عنوان مجموعه‌ای از رویدادهای از قبل طراحی شده در نظر می‌گیرد که به نتایج تربیتی برای یک یا بیش از یک فراگیر منجر می‌شود (آیزنر، ۱۹۷۹، ص ۲۶-۲۷). ملکی اعتقاد دارد برنامه‌ی درسی عبارت است از: «طرح تربیت»؛ یعنی برای تربیت رسمی و نه تربیت غیررسمی، نقشه‌ی راه طراحی کنیم و در آن، هدف‌های تربیت، مفاد و محتوای تربیت، روش‌ها و شیوه‌های ارزش‌یابی، مختصات فضای تربیت، نیازمندی‌ها و صلاحیت‌های مربی، زمان و مکان و ابزار مناسب را روشن سازیم و در یک طرح منسجم بیان کنیم (ملکی، ۱۳۹۵). در مبانی نظری تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران، برنامه‌ی درسی این صورت تعریف شده است: «مجموعه‌ای از فرصت‌های تربیتی نظام‌مند و طرح‌ریزی شده (از سطح ملی، منطقه‌ای و محلی تا مدرسه و کلاس درس با طیف مخاطبان بسیار گسترده و فراگیر تا بسیار محدود) و نتایج مترتب بر آنها که متریبان برای کسب شایستگی‌های لازم جهت درک و اصلاح موقعیت بر اساس نظام معیار اسلامی در معرض آنها قرار می‌گیرند تا با تکوین و تعالی پیوسته هویت خویش مرتبه قابل قبولی از آمادگی برای تحقق حیات طیبه در همه ابعاد را به دست آورند» (مبانی نظری تحول بنیادین، ۱۳۹۰، ص ۳۷۲).

درباره‌ی عناصر برنامه‌ی درسی که در این مقاله باید برای آن تعیین تکلیف شود، به‌هیچ‌روی میان صاحب‌نظران برنامه‌ی درسی اتفاق نظر وجود ندارد و دامنه‌ی وسیعی را از یک تا ده عنصر، دربرمی‌گیرد. برخی، تصمیم‌گیری‌ها درباره‌ی یک عنصر [نتایج یادگیری] و برخی دیگر محتوا را در حوزه‌ی کار برنامه‌ریزان درسی قلمداد کرده‌اند. کلاین نه عنصر را عناصر تشکیل‌دهنده‌ی برنامه‌ی درسی معرفی می‌کند که عبارت‌اند از: هدف‌ها، محتوا، فعالیت‌های یادگیری، روش‌های تدریس، مواد و منابع یادگیری، ارزشیابی، زمان، فضا و گروه‌بندی (کلاین، ۱۹۹۱، ص ۲۴-۴۱). اگر نیز بر اساس الگوی کلاین، عناصر برنامه‌ی درسی را در ده عنصر مورد توجه قرار داده است که به غیر از عنصر منطق، سایر عناصر با الگوی کلاین مشترک‌اند (اکر، ۲۰۰۳، ص ۱-۱۰). در عین حال، رایج‌ترین دیدگاه در این زمینه، دربردارنده‌ی تصمیم در خصوص چهار عنصر هدف‌ها، محتوا، روش و ارزشیابی است (مهرمحمدی، ۱۳۹۳، ص ۱۲). در ادامه، به تشریح بایسته‌های چهار عنصر از عناصر اساسی برنامه‌ی درسی عامل در جامعه‌پذیری دینی دانش‌آموزان می‌پردازیم.

کارگزاران ویژه‌ای همچون خانواده، گروه‌های همسالان، محیط‌های آموزشی، وسایل ارتباط جمعی، کانون‌های مذهبی و مانند آن، به تدریج به موجودی بالفعل در اجتماع تبدیل می‌شود. از دیدگاه برگر و لوکوکمان، انسان با نوعی گرایش و استعداد جامعه‌پذیری زاده می‌شود که از ویژگی انعطاف‌پذیری در قبال محیط طبیعی و اجتماعی برخوردار است. انسان، هم می‌تواند خود را با هرگونه محیط تطبیق دهد و هم می‌تواند محیط را آن‌گونه که تمایل دارد، بسازد (برگر و لوکوکمان، ۱۳۸۷، ص ۱۷۷). از نظر حیدری این معنا با نظریه‌ی فطرت در مفهوم اسلامی آن کاملاً همخوانی دارد. بر اساس نظریه‌ی فطرت، انسان دارای استعدادهای انسانی است که حالت بالقوه دارند و باید پرورش یابند. بذر انسانیت در او به‌صورت بالقوه موجود است که به تدریج از زمینه‌ی وجود وی سر برمی‌آورد. نظریه‌ی فطرت به این معنا نیست که انسان در بدو تولد، پاره‌ای از ادراک‌ها یا گرایش‌ها را بالفعل دارد؛ چنان که به این معنا نیز نیست که انسان در آغاز تولد، پذیرنده و منفعل محض است (حیدری، ۱۳۹۲، ص ۲۲۲). در پژوهش حاضر، مراد از «جامعه‌پذیری دینی» به‌عنوان مفهوم هم‌خوشاوند «جامعه‌پذیری»، فرایندی است که افراد یک جامعه به تدریج با باورها، اعمال، وظایف، آیین‌ها، مراسم، مناسک، ارزش‌ها و هنجارها و نمادهای دینی جامعه‌ی خود آشنا می‌شوند و آنها را فرا می‌گیرند و با درونی ساختن آنها، به‌عنوان افراد دین‌دار ظاهر می‌شوند. در این فرایند است که افراد الگوهای رفتار دینی را کسب می‌کنند و به وظایف، حقوق و نقش‌های دینی خود در جامعه آگاه می‌گردند و موجب انتقال فرهنگ دینی از نسلی به نسل دیگر می‌شوند (حیدری، ۱۳۹۲، ص ۱۲۵-۱۲۶).

ه) کیفیت عناصر برنامه‌ی درسی عامل در جامعه‌پذیری دینی دانش‌آموزان

اصطلاح «برنامه‌ی درسی» از نظر لغت‌شناسی، ریشه در واژه لاتین Currere دارد که به‌معنای میدان مسابقه یا میدانی برای دویدن است. تعریف برنامه‌ی درسی متناسب با وجوه تمثیل و ریشه‌ی لغوی این واژه، معرف برداشت سنتی از برنامه‌ی درسی شناخته می‌شود که بر مجموعه‌ای از تصمیم‌های ازپیش‌گرفته‌شده و مسیر شناخته‌شده‌ای که یادگیرندگان بر اساس تشخیص برنامه‌ریزان باید طی کنند، تکیه دارد (مهرمحمدی، ۱۳۹۳، ص ۱۱). آیزنر در تعریفی برنامه‌ی درسی را

۱. اهداف

استعدادهای و توانمندی‌های دانش‌آموزان با محوریت عامل بودن به

سه خصوصیت اصلی جامعه آرمانی اسلام باشند؛

در جامعه‌پذیری دینی، اهداف باید منجر به پرورش انسانی شود که بر اساس آیه ۱۳۸ سوره مبارکه «بقره»، به زندگی فردی و اجتماعی خود رنگ خدایی بدهد «صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ»؛ انسانی که در حیات خود یک هدف دارد و آن نیز جلب رضای خداوند است. چنین انسانی، گرچه در زمین است، آسمانی می‌اندیشد و در این عالم ملک، انگیزه ملکوتی دارد و رنگ زندگی‌اش یک‌رنگی، رنگ خدایی و آسمانی است.

با توجه به سطوح رشدی و شناختی دانش‌آموزان، در اهداف واسطه‌ای و جزئی برنامه درسی مؤثر در جامعه‌پذیری دینی، باید راه‌های قرب الی‌الله تبیین شود.

در اهداف واسطه‌ای و جزئی، در حد متعادل و نه افراط یا تفریط‌گونه، به ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی آحاد فراگیران موجود در جامعه اسلامی توجه شود؛ چراکه آیین تربیتی دین اسلام، به اعتدال در هر زمینه‌ای فرا می‌خواند و مجموعه قوانین و مقررات و آداب دینی به‌گونه‌ای است که مردمانی متعادل تربیت شوند؛ همان‌گونه که خدای سبحان در آیه ۱۴۳ سوره «بقره» «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا» امت اسلامی را متعادل و میانه‌رو معرفی می‌کند. از دیگر ویژگی‌های اصلی این نوع هدف‌گذاری می‌توان به سه رکن خداآگاهی، جهان‌آگاهی و خودآگاهی اشاره کرد.

۲. محتوا

محتوای برنامه درسی مؤثر در جامعه‌پذیری دینی عبارت است از تمامی باورها، ارزش‌ها، نگرش‌ها و دانش‌های مذهبی، که به اشکال مختلف در رفتار فردی و اجتماعی انسان متدین متجلی می‌گردد. از مجموعه آنچه به‌عنوان محتوای جامعه‌پذیری دینی مطرح می‌شود، می‌توان به «فرهنگ دینی» تعبیر کرد. در واقع جامعه‌پذیری دینی، محتوای فرهنگ دینی را از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌سازد و از این طریق باعث حفظ و نگهداری فرهنگ دینی یک جامعه می‌شود. فرهنگ دینی به مجموعه باورها، ارزش‌ها، اندیشه‌ها، هنرهارها، آداب، سنت‌ها، الگوها، روابط و عناصری ناظر است که در یک جامعه در پیوند با گرایش‌های دینی اعضای آن شکل می‌گیرد و حیات دینی یک جامعه در بستر آن به وجود می‌آید (حیدری، ۱۳۹۲، ص ۱۲۹).

هویت برنامه درسی در جامعه‌پذیری دینی، به اهدافی است که دنبال می‌کند. هدف برنامه درسی در جامعه‌پذیری دینی، باید با این نگاه به انسان که او اشرف مخلوقات است و برای هدف شریف قرب الهی خلق شده، ترسیم شود. اهداف چنین برنامه‌ای باید به‌طور متعادل در جهت تأمین نیازهای مادی و معنوی انسان باشد. برنامه درسی زمانی می‌تواند در جهت تحقق این نیازها گام بردارد و داعیه برآورده کردن این نیازها را داشته باشد، که بر اساس مبانی فلسفی تربیت اسلامی بنا شده باشد (نجفی و سبحانی‌نژاد، ۱۳۹۶، ص ۱۱). هدف نهایی برنامه درسی مؤثر در جامعه‌پذیری دینی دانش‌آموزان، جامعه آرمانی دینی است که مقصود از آن در این نوشتار، همان جامعه آرمانی اسلامی است؛ جامعه‌ای که حرکت، تلاش و کوشش افراد، در مسیر سعادت و کمال حقیقی است. در جامعه آرمانی اسلامی، فرد در ارتباط با خدای متعال، به وجود و وحدت آفریننده جهان هستی ایمان دارد و از دیدگاه وجودشناختی، او را به‌عنوان سرچشمه نهایی وجود سایر موجودات، از جمله انسان، و خود را به‌عنوان وجودی که هستی خود را از او دارد، می‌شناسد. بر این اساس، خود را بنده او می‌داند و انواع ارتباطات خود را از قبیل ارتباط با خود، ارتباط با طبیعت (جمادات، نباتات و حیوانات) و ارتباط با انسان‌های دیگر، بر اساس خواست و رضایت خداوند تنظیم می‌نماید (مصباح، ۱۳۷۷، ص ۴۱۵-۴۱۸). خداوند در آیه ۴۱ سوره «حج» می‌فرماید: «الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ المُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»؛ همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و به کارهای پسندیده وامی‌دارند و از کارهای ناپسند بازمی‌دارند؛ و فرجام همه کارها از آن خداست. بر اساس این آیه می‌توان گفت: «اهتمام به عبادت و عبودیت خداوند متعال و تقویت و تحکیم پیوند خود با او»، «کوشش در راه رفع نیازمندی‌های مادی دیگران» و «نظارت بر دیگران و مراقبت از آنان تا مبادا دچار انحراف و کجروی در عقیده، اخلاق و رفتار شوند»، سه خصوصیت اصلی جامعه آرمانی اسلام‌اند (حیدری، ۱۳۹۲، ص ۱۲۴). از این رو، با فراهم کردن این شرایط، شخص صلاحیت لازم را برای تقرب به خدا پیدا می‌کند. بنابراین، در هدف‌گذاری، توجه به چند نکته زیر ضروری است:

اهداف در جامعه‌پذیری دینی باید در خدمت جهت‌دهی

نسبت به هستی، خداوند، انسان و سایر موجودات شامل می‌شود. بیش دینی، همان جهان‌بینی دینی و نحوه‌ی نگرش دینی به عالم هستی است. این سطح، صرفاً مبین مطلوبیت‌ها و عدم مطلوبیت‌ها، هست‌ها و نیست‌ها، درست‌ها و نادرست‌ها، دانش و اعتقاد مذهبی، صرف‌نظر از گرایش و عمل مذهبی افراد است.

گرایش دینی: به‌معنای برخورداری از روحیه و احساس توانمندی برای عمل و فعالیت مذهبی در جامعه است. در واقع آمادگی برای کنش مذهبی و ارزشی را نشان می‌دهد. آنچه در این سطح بر آن تأکید می‌شود، آمادگی یا عدم آمادگی و تمایل و عدم تمایل برای ایفای نقش و عمل مذهبی است، نه درستی یا نادرستی یک امر یا اعتقاد. بنابراین در این سطح، اعتقاد فرد، به عمل و رفتار او نزدیک می‌شود. به عبارتی، سطح گرایش، حد واسطه بین اعتقاد و عمل است.

کنش دینی: همان رفتارها و اعمال واقعی دینی در جامعه است که تجلی خارجی و گونه‌ی انضمامی باورها و عقاید دینی و گرایش‌های مذهبی است که می‌توانیم آنها را مشاهده کنیم. برای مثال، نماز خواندن، روزه گرفتن، صدقه دادن، امر به معروف و نهی از منکر (فعالیت در جهت تبلیغ و اشاعه‌ی فرهنگ و اخلاق دینی)، حضور در نماز جماعت و نماز جمعه، مشارکت در مراسم جمعی مذهبی نظیر قرائت جمعی ادعیه (دعای کمیل و...)، حضور در مراسم اعیاد مذهبی و مراسم عزاداری و سوگواری معصومان علیهم‌السلام و سایر مناسک مذهبی در شمار کنش‌های دینی قرار دارند که در نتیجه‌ی شکل‌گیری یک بینش و گرایش مذهبی برای افراد حاصل شده‌اند.

نکته‌ی شایسته‌ی یادآوری در این زمینه آن است که به‌صورت طبیعی میان سه سطح یادشده، رابطه‌ی تعاملی، انباشتی و تقویتی برقرار است؛ یعنی هر کنش و عمل مذهبی، برخاسته از یک نوع اعتقاد و گرایش و تعهد مذهبی است. بر این اساس، به هر میزان که اعتقاد به امری بنیان مستحکم‌تری داشته باشد، به همان میزان احتمال بیشتری وجود دارد که در سطح کنش و رفتار نمایان شود. با این وصف، گاه مشاهده می‌کنیم که در یک جامعه، بخشی از فرهنگ دینی در سطح بینش و اعتقاد باقی مانده و به عرصه‌ی تعهد و کنش درنیامده است. این حالت تا حد زیادی می‌تواند از رویکرد «شعاری» به مقوله‌ی دین و باورها و ارزش‌های دینی ناشی گردد؛ بدون آنکه اهتمامی در جهت

برای بقا و استمرار جامعه‌ی دینی، لازم است فرهنگ دینی در جامعه توسعه یابد و به‌درستی به اعضای جدید منتقل شود. توسعه‌ی فرهنگ دینی، هرگونه تلاش در جهت بسترسازی برای تحقق تعالیم، ارزش‌ها و الگوهای اصیل دینی، و نیز تعمیق پیوند زندگی مردم با دین و سلوک دین‌دارانه است. لازمه‌ی چنین امری نگاه جامع به مقوله‌ی دین می‌باشد؛ به‌گونه‌ای که همه‌ی ابعاد آن مورد توجه قرار گیرد. توسعه‌ی فرهنگ دینی، دو عرصه‌ی درونی و بیرونی را دربرمی‌گیرد. در عرصه‌ی درونی، توسعه‌ی فرهنگ دینی به‌معنای رشد و گسترش معارف اصیل دین و تعمیق مفاهیم دینی در درون یک جامعه است؛ به‌گونه‌ای که افراد آن جامعه نه‌تنها در عالم باور و ذهن، که در عمل و رفتار نیز حقیقتاً دین‌دار باشند. این امر تنها در صورتی میسر است که فرایند جامعه‌پذیری دینی در جامعه با موفقیت طی شود. ما باید ضمن بررسی متون دینی و تحلیل تاریخی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی، زندگی و سیره‌ی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام و مدنظر قرار دادن نحوه‌ی مواجهه‌ی آن بزرگواران با مسائل زمانه‌ی خویش، در جست‌وجوی سازوکاری برای ایجاد جامعه‌ی دینی باشیم؛ جامعه‌ای که نه‌تنها در صورت و ظاهر، بلکه در سیرت و باطن نیز دینی باشد. توسعه‌ی فرهنگ دینی در بعد بیرونی آن، از یک سو به‌معنای انتقال مفاهیم علمی و عملی و مظاهر رفتاری جامعه‌ی خود به انسان‌هایی است که به دین و جامعه‌ی دیگری تعلق دارند؛ و از سوی دیگر، مواجهه و تعامل منطقی با دنیای جدید و تحلیل درست از وضعیت فرهنگ جهانی و میراث بردن انتقادی از آن است؛ زیرا با توجه به رشد سرسام‌آور تکنولوژی ارتباطات، ما اینک خواه‌ناخواه، در دریای فرهنگ جهانی غوطه‌وریم و از آن در بخش‌های زیادی متأثریم. اکنون دیگر دری در برابر این مبادله‌ها نمی‌تواند بسته بماند. البته در تعامل فرهنگی، همواره باید اهداف و آرمان‌های فرهنگی خود را مورد توجه قرار دهیم؛ تعامل فرهنگی باید متکی بر شناخت تحلیلی و دقیق عناصر لایه‌های زیرین فرهنگ خودی و بیگانه صورت پذیرد. توجه صرف به مظاهر فرهنگ بیگانه، به‌جای توجه به لایه‌های زیرین و ماهیت هنجارها، ارزش‌ها و الگوهای آن، موجب تأثیرپذیری تقلیدی و پیروی کورکورانه از مظاهر فرهنگ بیگانه خواهد شد (حیدری، ۱۳۹۲، ص ۱۳۱).

در محتوای برنامه‌ی درسی مؤثر در جامعه‌پذیری دینی می‌توان سه بخش یا سه سطح فرهنگ دینی را در تناسب با ابعادی که برای دین بیان شد، از هم تفکیک کرد: بینش دینی، گرایش دینی و کنش دینی. **بینش دینی:** معرفت‌ها، دانش‌ها، باورها و عقاید افراد جامعه را

اجتماعی متفاوت‌اند، به لحاظ مقبولیت می‌توانند صفت اجتماعی بودن را نیز به‌دست آورند؛ مثل حجاب که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران مورد پذیرش عموم مردم ایران قرار گرفت و علاوه بر دینی بودن، صفت اجتماعی نیز پیدا کرد. از این‌رو، دینی بودن ارزش‌ها منافاتی با اجتماعی بودن آنها ندارد (حیدری، ۱۳۹۲، ص ۱۳۸).

رفتار و اعمال دینی: رفتارها و مدل‌های رفتاری الهام‌گرفته از باورها و ارزش‌هاست (روشه، ۱۳۸۷، ص ۷۶). از آنجاکه نظام‌های اعتقادی و ارزشی بسته به فرهنگ‌های مختلف متفاوت‌اند، اعمال و رفتارها که بعد مادی و عینی ارزش‌ها و باورهایست نیز متفاوت‌اند. رفتارها و اعمال دینی شامل همه رفتارها و اعمالی می‌گردد که با انگیزه دینی انجام می‌شود؛ اما اعمال خاص دینی مشتمل بر دو دسته است: نخست شعائر یا مناسک، که عبارت است از آداب و رسوم فرموله‌شده با رفتارهای نمونه‌ای در میان معتقدان هر دین، یا به‌طور کلی مراسمی که هر دین از پیروان خود انتظار دارد که آنها را به‌جای آورند؛ دسته دیگر آن، پرستش و دعا، یعنی اعمالی غیررسمی‌اند که فرد آن را فقط به‌خاطر رضایت خداوند و بدون هیچ‌گونه اجباری انجام می‌دهد (طالبان، ۱۳۸۰).

۳. روش‌های یاددهی - یادگیری

روش‌های یاددهی و یادگیری در جامعه‌پذیری دینی، با توجه به رویکردهای مختلف، متفاوت است. برخی رویکردها از یک فرایند آموزشی دارای ساخت و ازپیش‌تعیین‌شده استفاده می‌شود. در دیدگاهی دیگر، از روش تفکر قیاسی *آزوبیل* استفاده می‌کنند؛ و در دیدگاهی دیگر، معلم در فرایند اکتشاف، نقش کمک‌کننده دارد؛ یعنی معلم در ابتدا زمینه‌ای را فراهم می‌کند که دانش‌آموزان بتوانند به فرضیه‌سازی، بررسی فرضیه‌ها و نتیجه‌گیری بر اساس کاوش به‌عمل‌آمده بپردازند (مهرمحمدی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۱۷۵-۱۸۷). هرچند نمی‌توان به‌طور دقیق و کامل برای تدریس مطلوب، یک برنامه درسی مشخص تعیین کرد، با وجود این، اغلب روش‌های یاددهی و یادگیری به‌منزله بخشی جدایی‌ناپذیر از فعالیت‌های دانش‌آموزان، و با توجه به همان الگویی که برنامه درسی طراحی می‌شود، طرح‌ریزی می‌شوند. هرچه در این مرحله از تصمیم‌گیری

پیاپی‌سازی ارزش‌های دینی در جامعه و کشاندن آنها به سطح رفتار و عمل وجود داشته باشد (حیدری، ۱۳۹۲، ص ۱۳۲). جهت شفاف‌سازی بهتر عنصر محتوا باید متذکر شد که فرهنگ دینی دارای اجزای زیر است:

عقاید و باورهای دینی: بنیان هر فرهنگ، از جمله فرهنگ دینی را عقاید و باورها تشکیل می‌دهد. چنان‌که شهید مطهری می‌فرماید، تمایز بنیادی انسان با حیوانات در باورهای او نهفته است، که از آن به جهان‌بینی نیز تعبیر می‌شود؛ یعنی مجموعه‌ای از بینش‌ها، تفسیرها و تحلیل‌ها درباره جهان و جامعه و انسان، که به تفسیر و تبیین جهان هستی آن‌گونه که هست، می‌پردازد (مطهری، ۱۳۸۶، ص ۱۰).

ارزش‌های دینی: ارزش‌ها همان تصویرها و اندیشه‌هایی است که مشخص می‌کند چه چیزی مهم، ارزشمند، مطلوب و پسندیده است و گروه اجتماعی هنگام سؤال درباره خوبی‌ها و بدی‌ها و کمال مطلوب، به آن رجوع می‌کند. به بیان دیگر، ارزش‌ها نوعی درجه‌بندی طبقه‌بندی و امتیازبندی یک پدیده از خوب تا بد یا از مثبت تا منفی است (گیدنز، ۱۳۸۶، ص ۳۵؛ رفیع‌پور، ۱۳۹۲، ص ۲۶۹).

هنجارهای دینی: هنجارها و مقیاس‌ها قواعدی برای تنظیم رفتارند که ارزش‌های یک فرهنگ را منعکس می‌کنند یا تجسم می‌بخشند و اکثریت از آن پیروی می‌کنند. ارزش‌ها و هنجارها در کنار یکدیگر به چگونگی رفتار اعضای یک فرهنگ در محیط اجتماعی‌شان شکل می‌دهند؛ به بیان دیگر، هنجارها ظرف‌ها و قالب‌هایی‌اند که ارزش‌ها و باورها در آن ریزش می‌کنند و از این طریق در رفتار و عمل افراد تجلی می‌یابند و رفتار را تنظیم می‌نمایند. بنابراین، هنجارها به‌مثابه الگوهای رفتار در موقعیت‌های عینی از طریق تنظیم هنجاری، رفتار، موجب «انسجام اجتماعی می‌گردد و این عامل پیدایش هویت جمعی یکسان، نظم، ثبات و تعادل، همبستگی اجتماعی، حفظ و تداوم حیات جمعی می‌شود. بنابراین، هنجارها به‌مثابه الگوهای پایدار و نهادینه‌شده، اساسی‌ترین عامل ایجاد نظم، ثبات و حفظ و تداوم جمعی‌اند (رفیع‌پور، ۱۳۹۲، ص ۱۷۸ و ۱۸۵). البته در اینجا تذکر این نکته بایسته است که ارزش‌ها و هنجارهای دینی، هرچند از آن جهت که منشأ وحیانی دارند، با ارزش‌های

اما این روند می‌تواند به‌گونه‌ای برنامه‌ریزی شود که معلم کار خود را با فعالیت‌های خودجوش دانش‌آموزان آغاز کند. در این رویکرد، فرایند «معلم‌محوری» جای خود را با فرایند «تعاملی بودن» عوض می‌کند. دانش‌آموز حق انتخاب دارد و معلم نقش راهبر، کمک‌کننده، تسهیل‌کننده و کنترل‌کننده را بر عهده می‌گیرد. استفاده از روش‌های یاددهی، مانند استدلالی، دیالوگ، داستانی، هنری، پرسش و پاسخ، ایفای نقش، اکتشافی و یادیارها می‌تواند به تغییر رویکرد معلم‌محوری و نیز درونی‌سازی بهتر و عمیق‌تر مباحث مورد نظر در دانش‌آموزان کمک شایانی کند.

۴. ارزشیابی

ارزشیابی، اغلب به‌عنوان مرحله پایانی کار به‌حساب می‌آید و هدف از آن، کسب آگاهی از میزان موفقیت برنامه‌ها، سیاست‌گذاری‌ها و شناسایی خطاها و کمبودهای فرایند یاددهی - یادگیری است. به عبارت دیگر، ارزیابی نوعی بازخورد صادقانه و کمک‌رساننده به دانش‌آموزان است که در آن معلم و دانش‌آموز می‌توانند هر دو در این فرایند مشارکت داشته باشند. هدف ارزشیابی در نظام فعلی، که الگوگرفته از دیدگاه فرایند شناختی است، غالباً اندازه‌گیری سطح «دانش شناختی» فراگیران است که به‌صورت پرسش‌های تستی و تشریحی برگزار می‌شود. در نهایت، اگر دانش‌آموز نمره آورد، به پایه بالاتر ارتقا پیدا می‌کند؛ اما اینکه آیا این دوره آموزشی از لحاظ عاطفی، مهارتی و رفتاری هم در او تأثیر داشته است یا خیر، کاری به آن ندارد. با توجه به مبانی و اصول جامعه‌پذیری دینی، نگاه و هدف در ارزشیابی برنامه درسی باید فراتر از هدف فوق باشد؛ چراکه بر اساس دیدگاه اسلامی، تربیت طبق ابعاد اصلی انسان، به سه نوع شناختی، عاطفی و ارادی تقسیم می‌شود (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۱، ص ۵۲۱). از این‌رو، ارزشیابی در نظام برنامه درسی جامعه‌پذیری دینی، علاوه بر اینکه سطح شناختی فراگیران نسبت به مفاهیم دینی را می‌سنجد، باید به‌گونه‌ای طرح‌ریزی شود که سطح بینش و نگرش، ایجاد انگیزه و علاقه درونی به ارزش‌های دینی و تمام عناصر دخیل در انجام رفتار دینی اختیاری در فراگیران را نیز بسنجد؛ زیرا آنچه در برنامه درسی جامعه‌پذیری دینی مهم است، «رشد و توسعه دینی» دانش‌آموزان است که به رفتار دینی آنان در جامعه منجر می‌شود. با توجه به این مطالب، مهم‌ترین نکاتی که باید

دقت شود، اجرای برنامه به شرایط مطلوب نزدیک‌تر می‌شود (ملکی و همکاران، ۱۳۹۰). در مجموع می‌توان روش‌های یاددهی و یادگیری جامعه‌پذیری دینی را به دو دسته آشکار و پنهان تقسیم کرد. از آنجاکه نقش و تأثیر روش‌های پنهان جامعه‌پذیری دینی بر دین‌پذیر کردن افراد بیشتر است، در اسلام نیز روش‌های پنهان ترجیح داده شده و به‌صورت عملی بر دین به‌جای دعوت گفتاری و آشکار تأکید فراوان شده است؛ ولی با توجه به اینکه مبحث ما بیشتر بر برنامه‌های درسی مکتوب تأکید دارد، ما در این قسمت به معرفی روش‌های یاددهی و یادگیری آشکار جامعه‌پذیری دینی می‌پردازیم. منظور از روش جامعه‌پذیری دینی آشکار، روشی است که افراد در یک فرایند رسمی و به‌طور مستقیم، باورها، ارزش‌ها و هنجارهای دینی را فرا می‌گیرند و برای انتقال باورها، ارزش‌ها و هنجارهای دینی، ارتباط آشکاری بین ساختارها و نهادهای رسمی دین‌پذیرکننده و دانش‌آموزان وجود دارد (طالعی، ۱۳۹۵، ص ۱۴۵). نمونه بارز این روش، برنامه‌های آموزشی دینی در مدارس است. آموزش دینی را می‌توان کوشش مستقیم و برنامه‌ریزی شده‌ای دانست که هدف آن انتقال ارزش‌ها، گرایش‌ها و نگرش‌های دینی به افراد است. بدون تردید، آموزش دینی که از دوران‌های قدیم مورد توجه مکتب‌ها و مدرسه‌ها بوده است، در جامعه‌پذیری دینی دانش‌آموزان نقش مهمی دارد. هر چقدر فرد از آگاهی بیشتری برخوردار باشد و از پدیده‌ای شناخت و آگاهی بیشتری داشته باشد، تأثیرپذیری و رفتار او با پشتوانه محکم‌تر و باثبات‌تر خواهد بود. چنین فردی پس از قبول ارزش‌ها، کمتر به‌شکل سریع تحت تأثیر اشعه‌های فرهنگ‌ها با منابع جامعه‌پذیری‌کننده مخالف در اطراف خود واقع می‌شود. چنین فردی به‌صورت فعال عمل می‌کند؛ اما آیا صرف تعلیمات مذهبی برای جامعه‌پذیر کردن افراد کافی است؟ آموزش مفاهیم دینی تا چه حدی می‌تواند به تربیت دینی و تغییر رفتار در افراد منجر شود؟ مسلماً صرف آموزش دینی و آگاهی دادن مستقیم به افراد - با آنکه ضرورت دارد - در جامعه‌پذیری دینی آنها کافی نیست و به‌تنهایی نمی‌تواند باعث تغییر رفتار گردد؛ حتی ممکن است افراط و سخت‌گیری در تبلیغ و آموزش دین، نتیجه عکس دهد و تولید ناباوری کند (حیدری، ۱۳۹۲، ص ۱۴۰-۱۴۱). در پایان، این نکته مهم را متذکر می‌شویم که شاید آموزش جامعه‌پذیری دینی در مدارس کشور چاره‌ای جز استفاده از روش‌های آشکار نداشته باشد؛

بقای هر جامعه‌ای، از جمله جامعه دینی، بسته به آن است که اعضای آن، مجموعه باورها، رفتارها، ارزش‌ها و گرایش‌های موجود در آن را درونی کنند و به نسل‌های جدید انتقال دهند. بر اساس چنین ضرورتی، برنامه درسی در فرایند پرورش دینی افراد باعث خواهد شد که نهاد اجتماعی آموزش، حافظ نظام دینی و عامل موثر در توسعه دینی باشد. در اصل، چنین میراثی سبب می‌شود که بگوییم توسعه دینی برای نهاد آموزش دارای سه کارکرد است: اول اینکه توسعه دینی از عوامل اصلی جامعه‌پذیری دینی نوجوانان و جوانان جامعه ما نسبت به فرهنگ دینی و ملی‌شان خواهد شد؛ دوم اینکه توسعه دینی عامل بسیار مؤثری در انتخاب و تربیت نخبگان دینی جامعه است؛ سوم اینکه توسعه دینی عامل اصلی انسجام‌بخش وحدت مذهبی و دینی ملت و ساخت آگاهانه خواهد بود.

در حوزه عناصر برنامه درسی در جامعه‌پذیری دینی باید گفت: هدف در چنین طرح و نقشه تربیتی، جامعه آرمانی اسلامی است، جامعه‌ای که حرکت، تلاش و کوشش افراد در آن، در مسیر سعادت و کمال حقیقی است. محتوای جامعه‌پذیری دینی، ناظر به مجموعه باورها، ارزش‌ها، اندیشه‌ها، هنجارها، آداب، سنت‌ها، الگوها، روابط و عناصری است که در یک جامعه در پیوند با گرایش‌های دینی اعضای آن شکل می‌گیرد و حیات دینی یک جامعه در بستر آن به وجود می‌آید. همان‌گونه که اشاره شد، از این مجموعه می‌توان با عنوان «فرهنگ دینی» یاد کرد. در روش‌های یاددهی - یادگیری که یک معلم از طریق آن سعی در جامعه‌پذیر کردن دینی دانش‌آموزان داشت، از دو نوع روش آشکار یا رسمی و روش پنهان یا غیررسمی نام برده شد. سرانجام، ارزشیابی در نظام برنامه درسی جامعه‌پذیری دینی، علاوه بر اینکه سطح شناختی فراگیران نسبت به مفاهیم دینی را می‌سنجد، باید به گونه‌ای طرح‌ریزی شود که سطح بینش و نگرش، ایجاد انگیزه و علاقه درونی به ارزش‌های دینی، و تمام عناصر دخیل در انجام رفتار دینی اختیاری در فراگیران را نیز بسنجد؛ زیرا آنچه در برنامه درسی جامعه‌پذیری دینی مهم است، «رشد و توسعه دینی» دانش‌آموزان است که به رفتار دینی آنان در جامعه می‌انجامد.

در نهایت اینکه وجود چنین برنامه درسی‌ای می‌تواند دانش‌آموزان را در عرصه‌هایی چون نحوه بررسی و تشخیص ماهیت ارزش‌های اجتماعی - عقیدتی کمک کند؛ به گونه‌ای که دانش‌آموزان

در زمینه ارزشیابی برنامه درسی مؤثر در جامعه‌پذیری دینی دانش‌آموزان مورد توجه قرار گیرد، به شرح زیر است:

- تأکید بر استفاده متناسب از انواع ارزیابی آغازین، تکوینی و تراکمی؛
- تلاش در جهت انعطاف‌پذیر کردن انتظارات معلمان از دانش‌آموزان؛

- تأکید بر فرایند و جریان درگیری و مشارکت دانش‌آموزان با موقعیت‌های موجود، تا اصرار بر عملکرد مورد انتظار؛

- اجتناب از انتقادات صریح و تند نسبت به رفتارهای غیردینی دانش‌آموزان؛

- استفاده از ارزیابی همه‌جانبه (طراحی فرم ارزیابی دانش‌آموز از دیدگاه پدر و مادر، معلم، مدیر، معاونان آموزشی و تربیتی)؛

- تأکید بر «خود ارزیابی» دانش‌آموزان؛
- استفاده از روش مشاهده؛

- بهره‌گیری از پژوهش‌های فردی و گروهی مرتبط با مباحث موجود در جامعه‌پذیری دینی.

نتیجه‌گیری

از آنجا که جامعه‌پذیری و پذیرش ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر جامعه، ذاتی نیست، دستگاه تربیتی جامعه وظیفه جامعه‌پذیری و آشنا کردن نسل جدید با ارزش‌ها و هنجارهای حاکم و به‌طور کلی فرهنگ جامعه را بر عهده دارد. هر جامعه دارای ارزش‌ها، هنجارها، باورها و اعتقادات فرهنگی و اجتماعی بنیادی معینی است که بر اثر غفلت، ممکن است از بین برود؛ لذا انتقال آن به اعضای جدید جامعه و پاسداری و بزرگ‌داشت آن، از اهمیت زیادی برخوردار است. فرد باید با رسوم و معتقدات، دانش و معرفت، فنون و تکنولوژی، هنر، ابزار و اشیای ساخته‌شده نسل قبل از خود، به‌طور بنیادی و عمیق آشنا شود. برای جامعه‌پذیری و صیانت فرهنگ، باید ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی جامعه در وجود فرد درونی شود و رفتارهای وی مطابق با هنجارهای جامعه بروز و ظهور یابد. در انتقال مبانی فرهنگی، معلمان باید آن را تفسیر، تعبیر و برای دانش‌آموز قابل فهم کنند و او را راهنمایی کنند تا رفتار، احساس، عقاید و افکاری را که مورد تأیید جامعه است، اخذ کند و نسبت به آنها قدر دان باشد.

جامعه‌شناسان اهمیت جامعه‌پذیری را در این می‌بینند که موجب اتصال نسل‌های مختلف به یکدیگر می‌شود. به‌طور کلی استمرار و

منابع.....

اسدزاد، مرضیه، ۱۳۹۳، *مقایسه نقش خانواده و مدرسه در جامعه‌پذیری دینی دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه فیروزآباد فارس*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته جامعه‌شناسی، یزد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد.

برگر، پیتر و توماس لوکوکمان، ۱۳۸۷، *ساخت اجتماعی واقعیت*، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران، علمی فرهنگی

جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۱، *فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی*، تهران، مدرسه.

جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۶، *تسریع در آئینه معرفت*، قم، اسراء.

حق‌شناس، علی محمد و همکاران، ۱۳۹۶، *فرهنگ معاصر هزاره*، تهران، مجموعه فرهنگ‌های انگلیسی - فارسی هزاره.

حیدری، محمدشریف، ۱۳۹۲، *جامعه‌پذیری دینی در ایران*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

خرمشاهی، بهالدین، ۱۳۷۳، *دین‌پژوهی، دایرةالمعارف دین*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۶ق، *معجم مفردات الفاظ قرآن*، تهران، المکتبة المرتضویه.

رفیع پور، فرامرز، ۱۳۹۲، *آناتومی جامعه: مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کاربردی*، تهران، شرکت سهامی انتشار.

روشه، گی، ۱۳۸۷، *مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی عمومی*، ترجمه هما زنجانی‌زاده، تهران، سمت.

سلیمی، علی و محمد داوری، ۱۳۹۴، *جامعه‌شناسی کجروی*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

شرف‌الدین، سیدحسین، ۱۳۸۷، «جامعه‌پذیری سیاسی و تربیت سیاسی»، *راه تربیت*، ش ۵، ص ۱۷۷-۱۹۸.

شعاری‌نژاد، علی اکبر، ۱۳۹۱، *فرهنگ توصیفی علوم رفتاری/شناختی*، تهران، امیرکبیر.

صدیق سروستانی، رحمت‌الله و همکاران، ۱۳۸۸، *درآمدی بر جامعه‌شناسی اسلامی: مبانی جامعه‌شناسی*، تهران، سمت.

صلیبا، جمیل، ۱۳۷۰، *واژه‌نامه فلسفه و علوم اجتماعی*، ترجمه کاظم برگ نیسی و صادق سجادی. تهران، شرکت سهامی انتشار.

طالبان، محمدرضا، ۱۳۸۰، «تعهد مذهبی و تعلق سیاسی»، *نامه پژوهش*، ش ۲۰-۲۱، ص ۳-۲۲.

طالعی، مهدی، ۱۳۹۵، *مبانی انسان‌شناختی جامعه‌پذیری دینی از منظر علامه بی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته فلسفه علوم اجتماعی*، قم، دانشگاه باقرالعلوم.

در بررسی انواع ارزش‌های اجتماعی مطرح، بر اساس موازین اعتقادی خود عمل کنند و بتوانند بین ارزش‌های رایج با مبانی عقیدتی - اسلامی، که جنبه مطلق دارد، و با ارزش‌های نسبی و قراردادی سایر ممالک، تفاوت ماهوی بگذارند و مرزهای مشخصی قائل شوند. در اصل باید دانش‌آموزان ایرانی بتوانند در حوزه ارزش‌های اعتقادی، ثبات و پایداری ارزشی را مبنا قرار دهند. به‌علاوه در حوزه ارزش‌های نسبی، بر اساس پالایش و بازآفرینی شخصی، بهترین‌ها را که متناسب با شرایط کنونی زمان و مکان آنان است، انتخاب کنند و ملاک عمل قرار دهند. در شرایط کنونی اجتماعی بین‌الملل، لازم است دستگاه تربیتی هرچه بیشتر مخاطبان خود را در مسیر پیشرفت فکری، اکتساب و درونی‌سازی ارزش‌ها و فضیلت‌های حقیقی و نهایتاً توسعه فرهنگی کمک دهد.

- 1, p. 46-63.
- Cekin, A, 2013, "The Different grades students' understanding levels of the concept of religion in Turkish elementary education", *Religious Culture*, Issue 167, P. 1-5.
- Collet Sabe, J, 2007, The crisis in religious socialization, *Social Compass*, v. 54, Issue 1, p. 97-111.
- Eisner, E, W, 1979, *The Educational Imagination: On the Design and Evaluation of School Programs*, New York, Macmillan.
- Gregor, C.A.M, 2008, "Religious socialization and children's prayer as cultural object: Boundary work in children's 19th century Sunday school books", *Poetics*, p. 435-449.
- Himmelfarb, H. S, 2005, "Agents of religious socialization among American Jews", *Sociological Quarterly*, v. 20, Issue 4, p. 477-494.
- Jarvis, P, 1974, "Religious socialization in the junior school", *Educational Research*, v. 16, Issue 2, p. 100-106.
- Klein, M, F, 1991, *A Conceptual Framework for Curriculum Decision Making, In the Politics of Curriculum Decision Making*, New York, University of New York Press.
- Mizrap, P, 2017, "Tasawwuf-Oriented Educational Philosophy and Its Relevance to the Formation of Religion and Ethics Course Curriculum", *Educational Research*, v. 5, N. 5, p. 806-814.
- Regnerus, M. D, 2000, "Shaping schooling success: Religious socialization and educational outcomes in Metropolitan public school", *Scientific Study of Religion*, v. 39, N. 3, p. 363-378.
- Turcotte, P. A, 2015, "Religious Socialization and Teaching Sociology. Academic Theories and Practices", *Sociology of Education*, v. 7, N. 3, p. 167-186..
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۸۵، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- فروتن، یعقوب، ۱۳۹۲، «استراتژی جامعه‌پذیری دینی در ایران»، *مطالعات ملی*، ش ۵۳، ص ۷۳-۹۶.
- کوئن، بروس، ۱۳۹۶، *مبانی جامعه‌شناسی*، ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضل، تهران، سمت.
- گیدنز، آنتونی، ۱۳۸۶، *جامعه‌شناسی*، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، نشر نی.
- مبانی نظری تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران*، ۱۳۹۰، تهران، وزارت آموزش و پرورش.
- مصباح، محمدتقی، ۱۳۷۷، *آموزش عقاید*، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۹۵، *جامعه و تاریخ*، تهران، صدرا.
- ____، ۱۳۸۶، *مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی: جهان‌بینی توحیدی*، تهران، صدرا.
- ____، ۱۳۹۲، *مجموعه آثار*، تهران، صدرا.
- ملکی، حسن و همکاران، ۱۳۹۰، «برنامه درسی، ابزاری برای نیل به تربیت اخلاقی»، *اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، ش ۶، ص ۷۷-۹۸.
- ملکی، حسن، ۱۳۹۵، «لزوم بازنگری مبانی فلسفی برنامه درسی / بوم‌اندیشی یا گرت‌برداری؟»، *گفت‌وگوی منتشرشده در خبرگزاری مهر*.
- مهرمحمدی، محمود و همکاران، ۱۳۹۳، *برنامه درسی: نظرگاه‌ها، رویکردها و چشم‌اندازها*، مشهد، به نشر.
- نجات، جعفر و همکاران، ۱۳۹۵، «نقش برنامه درسی پنهان در جامعه‌پذیری دانش‌آموزان»، *تحقیقات مدیریت آموزشی*، ش ۳۰، ص ۱۷-۲۸.
- نجفی، حسن و مهدی سبحانی‌نژاد، ۱۳۹۶، *هویت برنامه درسی دانشگاهی تمدن ساز*، مجموعه مقالات سومین همایش تمدن نوین اسلامی، تهران، دانشگاه شاهد.
- Akker, V, D, J, 2003, *Curriculum Perspectives: An Introduction*, Netherlands, University of Twente.
- Cartledge, M, J, 2013, "Religious Socialization and Benevolence: A Study among American Pentecostals", *Beliefs & Values*, v. 34, N.